



## اقحوان

غلامرضا امین\*، محبوبه خاتم‌ساز، مهناز خانوی\*، بهزاد ذوالفقاری\*، روجا رحیمی، ابوالقاسم سلطانی، محمدرضا شمس‌اردکانی، میثم شیرزاد، امید صادقپور، امیرمهدی طالب، علیرضا قنادی، مهرداد کریمی، منصور کشاورز، عبدالعلی محقق‌زاده، محمود مصدق، فریبرز معطر، محمد باقر مینایی

شاخه‌ی گیاهان دارویی گروه طب اسلامی و طب سنتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران<sup>۱\*</sup>

### چکیده

اقحوان یکی از گیاهان مطرح در متون طب سنتی ایران است که به عنوان نوعی بابونه معرفی شده و خواصی همچون محلل، مفتح عروق و مدر بول و حیض و عرق از آن گزارش شده است. از جمله اسامی دیگر این گیاه می‌توان به بابونه گاو، بابونه گاو چشم و کافوریه اشاره نمود. اقحوان به دلیل تفاوت در بزرگی گل و مشخصات میوه و نیز افعال و خواص از انواع بابونه قابل تفکیک است. با در نظر گرفتن خصوصیات گیاه شناسی مذکور در منابع طب و داروسازی سنتی برای این گیاه، می‌توان آن را با گیاه *Tanacetum parthenium* (L.) Schultz متعلق به خانواده‌ی کاسنی (Compositae) مطابقت داد.

واژگان کلیدی: اقحوان، بابونه، طب سنتی ایران

تاریخ دریافت: ۸۹  
تاریخ پذیرش: ۸۹

### مقدمه:

اقحوان یکی از گیاهان دارویی مورد استفاده در مکتب پزشکی و داروسازی سنتی ایران است که بر اساس نظر قدمای به عنوان نوعی از انواع بابونه معرفی شده است. دانشمندان پیشین این گیاه علفی را، که نامهای دیگری از جمله بابونه گاو، بابونه گاو چشم، کافوریه و ... نیز به آن اطلاق می‌شده است، بر اساس خصوصیات ظاهری به دو نوع صغیر و کبیر تقسیم‌بندی می‌نموده‌اند که نوع صغیر آن بر حسب مکان رویش، شکل شاخه و برگ و نیز اندازه و رنگ گل به ۲ نوع بری و بستانی طبقه‌بندی می‌شده است و اکنون به نام بابونه‌ی رومی شناخته می‌شود. به هر حال طبق منابع در دسترس علاوه بر تفاوت در شکل و خصوصیات ظاهری، آثار درمانی اقحوان نیز با بابونه متفاوت بیان شده است (۱). با استناد به یافته‌های گیاه‌شناسی حاصل از اطلاعات مندرج

### کلید شناسایی گونه‌ها

کلید شناسایی جنس اقحوان در مقایسه با جنس بابونه

- ۱- الف- گیاهانی چند ساله، کرکدار، برگ‌ها دمبرگ‌دار، ۱-۲ بار شانه‌ای با قطعات تخم مرغی، میوه‌ی فندقه دارای شاخکی *Tanacetum*.....  
کوتاه در راس.....
- ۱- ب- گیاهانی یک ساله یا دو ساله. بدون کرک یا دارای کرک‌های اندک. برگ‌ها بدون دمبرگ یا دارای دمبرگ کوتاه، ۲-۳

(۱،۵-۶) و با قوت تریاقيت است. اقحوان در درد مثانه، ورم سپرزا، استسقاء، فراقر معده و برای افزایش اشتها (۷) و نیز در قولچ، وجع مثانه و نزول آب در کیستین <sup>۳</sup> مؤثر است (۱،۵،۷). بوییدن تازه‌ی آن خواب آور است و مصرف مقادیر زیاد و مداومت در مصرف آن باعث سبات <sup>۴</sup> می‌شود (۱،۶-۷).

نَطْوُل <sup>۵</sup> آن جهت سَهَر <sup>۶</sup> پیران نافع (۱،۵) است. لَعْقَ <sup>۷</sup> آن در رِبْوَ <sup>۸</sup> (۱،۵-۸)، سرفه و نفت الدَّم <sup>۹</sup> (۱،۵،۸) مصرف می‌شود و حُمُول <sup>۱۰</sup> آن ادرار حیض به قوت تمام نماید (۱،۷) و محلل صلابت رحم (۱،۵-۸) و مفتح سده‌ی آن و افواه بواسیر است (۱،۵).

در منابع معتبر سنتی، نام‌های متفاوتی برای بابونه ذکر گردیده است که مهم‌ترین اسمی آن به شرح زیر می‌باشد:

يونانی: *pharthenion* (۴)

فارسی: بابونه گاو (۱)، بابونه گاو چشم (۱،۵)

عربی: اقحوان، کافوریه (۹)، بابونج کبیر

### ***Tanacetum parthenium***

نام علمی: *Tanacetum parthenium* (L.) Schultz Bip.

Syn: *Matricaria parthenium* L., *Pyrethrum parthenium* (L.) Sm.; *Chrysanthemum parthenium* (L.) Bernh.

نام تیره: Asteraceae (Compositae)

نام انگلیسی: *Feverfew*

### **مشخصات گیاه‌شناسی:**

اقحوان گیاهی است چند ساله با ریزوم‌های عمودی، ساقه‌های ایستاده که به صورت ساقه‌های منفرد یا چند تایی دیده می‌شود. این گیاه دارای کرک‌های کم و تنک، به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای بوده و ساقه‌ی آن در قسمت فوقانی منشعب می‌باشد. برگ‌های آن دارای دمبرگ‌های طویل، کم و بیش کرک‌دار یا کاملاً پوشیده از کرک هستند. برگ‌ها ۱-۲ بار شانه‌ای شده و قطعات برگ تخم مرغی می‌باشد. گل‌های آن سفید، مجتمع در گل آذین دیهیمی بوده و کاپیتول (کپه) دارای دو ردیف برآکته سبز و کرک‌دار است. گلچه‌های حاشیه‌ی کاپیتول زبانه‌ای و ماده، به تعداد ۱۲-۲۰ عدد می‌باشند. گل‌های مرکزی کاپیتول لوله‌ای و زرد رنگ هستند. میوه‌ی آن فندقه دارای ۶-۵ پهلو یا ضلع

بار شانه‌ای با قطعات باریک، میوه‌ی فندقه بدون شاخک، ساده یا کاکل دار.....*Matricaria*.....

### **سیری در منابع گذشته:**

اقحوان سابقه‌ی مصرف بس طولانی و ۲۰۰۰ ساله داشته، مصریان و یونانیان باستان آن را در درمان التهاب و سردرد و گزش حشرات به کار می‌برده‌اند و دیوسکوریدوس از آن نام برده است. اقحوان در عربی به گیاهان جنس *Chrysanthemum* اطلاق می‌گردد و معرف از اقحوان پارسی است و به معنای گل طلایی رنگ است و همواره به عنوان دارویی شبیه بابونه شناخته می‌شده است. رازی و ابن‌بیطار مطالب دیوسکوریدوس در مورد فرشانیون را ذیل اقحوان آورده‌اند. نام علمی آن به داستانی یونانی باز می‌گردد که در مورد کارگری است که در حین ساختن معبد دچار سانحه گردید و با مصرف این گیاه بهبود یافت. نام عمومی انگلیسی آن (Febrifew) از لاتین به معنای تب و Fuge به معنای دفع کننده و دور کننده می‌باشد که نمایانگر اثر ضد تب آن است (۳-۴).

در منابع طب سنتی اقحوان بدین گونه معرفی شده است:

اقحوان بر دو قسم است، صغیر و کبیر. صغیر آن دو نوع است: بری و بستانی. بستانی را شاخه‌ای باریک و برگ آن شبیه به برگ گشنیز و رازیانه و گل بابونه بزرگ‌تر و ثقل الرایحه و با اندکی تلخی، و منبت بری آن کوهستان‌ها و صحراءها و بالجمله صنفی از بابونه است و مغشوشه به بابونه می‌نمایند (۱،۵) و گل بابونه مجوف نیست و این مجوف است و مستعمل گل زرد آن است نه گل سرخ آن و بهترین آن، نوعی است که برگ آن سبز و بیرون گل آن سفید و اندرون آن زرد و با تلخی طعم باشد و کهنه و فاسد نباشد (۱).

طبیعت: در سوم گرم و در دوم خشک

این گیاه مسخن قوی (۱،۵)، محلل (۱،۵-۶)، مفتح سدد (۷) بويژه در جگر و افواه عروق (۱،۵)، ملطف (۱،۵-۶)، محلل خون منجمد در مثانه و ورم مقعده، مدر بول و عرق و حیض (۱،۵-۷)، مسقط جنین (۱،۸،۵)، مفتت حصات <sup>۲</sup>

این گیاه در برخی کشورها و از جمله ایران در فهرست داروهای رسمی قابل تجویز در پیشگیری از حملات میگرن قرار داده شده است (۱۱).

سفید و در راس دارای شاخکی کوتاه است. زمان گلدهی آن اردیبهشت و خردادماه می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری:

اقحوان در منابع معتبر طب سنتی به عنوان یکی از انواع بابونه شناخته شده است ولی به دلیل تفاوت در بزرگی گل و مشخصات میوه و نیز افعال و خواص از انواع بابونه قابل تفکیک می‌باشد. در کتب معتبر طب سنتی دو نوع کبر و صغیر آن معروفی شده است که نوع کبر معادل اقحوان و نوع صغیر آن بابونه رومی (۱۲) می‌باشد. شاخه‌ی گیاهان دارویی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به منظور تبیین نامه‌ای گیاهان دارویی، پس از بررسی مشخصات ذکر شده در منابع قدیم و جدید نام اقحوان را معادل *Tanacetum parthenium* (L.) Schultz Bip می‌داند. برای گیاه مذکور پیشنهاد می‌نماید.

در تمام نقاط ایران و در نیمکره‌ی شمالی و نیمکره‌ی جنوبی در سراسر دنیا پراکندگی دارد.

### موارد مصرف امروزی:

امروزه اقحوان در درمان میگرن، آرتربیت و برخی بیماری‌های مفاصل روماتیسمی و حساسیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گرچه مطالعات بالینی دو سو کور همراه با دارونما نشان داده است که استفاده از عصاره‌ی برگ‌های گیاه در پیشگیری از حملات میگرنی و همچنین عود مجدد حملات مفید می‌باشد ولی جهت تایید این اثر نیاز به مطالعات بیشتری است (۱۰). با وجود این اشکال دارویی

### پی‌نوشت:

<sup>۱</sup> شاخه‌ی گیاهان دارویی از گروه طب اسلامی و طب سنتی، از تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱ در فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به منظور تبیین نامه‌ای گیاهان دارویی ذکر شده در منابع طب سنتی و یا متداول در بین مردم تشکیل شده است. از آن تاریخ در نشسته‌های متعدد که با حضور استادان فن برگزار شده، ابتدا فهرستی از اسمای مختلف تهیه، و به ترتیب در مورد هر کدام بحث و تصمیم‌گیری شده است. مقاله‌ی حاضر، پنجمین دست‌آورد این جلسه‌ها و در مورد گیاه اقحوان است.

<sup>۲</sup> شکننده سنگ‌ها

<sup>۳</sup> Hydrocele

<sup>۴</sup> سبات: خواب طولانی و عمیق و سنگین است که صاحب آن به دشواری بیدار شود (۱۳-۱۴)

<sup>۵</sup> نطول: آبی که در آن داروها جوشانیده باشند و به روی عضوی ریزند (۱۵)

<sup>۶</sup> سهر: حالتی است که بیداری به حد افراط برسد و از شکل طبیعی خارج شود (۱۵-۱۶)

<sup>۷</sup> لعوق: هر چیز آب دار با قوام مثل فالوذجها که به انگشت یا قاشق کم کم بليستند (۱۷)

<sup>۸</sup> ربو: به تازی دشخواری دم زدن را ربو گویند (۱۸)

<sup>۹</sup> نفث الدم: برآمدن خون است از راه دهان؛ اگر با بزاق دفع گردد از اجزای دهان است، اگر با تَنَحُّنَ از حلق و نواحی آن و اگر با تَنَحُّنَ از قصبه رئه است و اگر به طریق سرفه دفع گردد از رئه و نواحی سینه و اگر به طریق قيء باشد از فم معده و یا کبد است (۱۴)

<sup>۱۰</sup> حمول: ادویه‌ای [است] که انسان در مقعد و فرج خود بردارد (۱۷)

### منابع

۱. عقیلی خراسانی، محمد حسین: مخزن الأدویة. نسخه‌ی چاپ کلکته. انتشارات سنایی، تهران، صص: ۱۵۸-۹، ۱۳۸۸.

2. Rechinger KH. Compositae, Anthemideae. In: *Flora Iranica*. Graz: Akademische Druck-U Verlagsanstalt.p.1511

3. B-Mills S, Bone K. *Principles and practice of phytotherapy*. London: Churchill Livingstone; 2000.p.385.
٤. دیوسکوریدوس: المقالات سیع من کتاب دیاسقوریدوس و هو هیولی الطب من الحشائش و السموم. ترجمه اصطفن ابن سبیل، اصلاح حین بن اسحاق. مقاله‌ی سوم، شماره‌ی ۱۳۱، ص: ۳۰۰.
٥. تنکابنی مازندرانی، محمد مؤمن: تحفه المؤمنین. نشر شهر، تهران، ص: ۵۵، ۱۳۸۹.
٦. ابن سینا، حسین بن عبدالله: القانون فی الطب، الكتاب الثاني. نسخه‌ی چاپ سنگی، انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۱۵۸.
٧. ابن بیطار المالقی، عبدالله بن احمد: الجامع لمفردات الأدویة و الأغذیة. نسخه‌ی چاپ سربی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۵۳-۴.
٨. انطاکی، داود بن عمر: تذکره اولی الالباب و الجامع للعجب العجاب. دارالكتب العلمیه، بیروت، ص: ۵۹، ۱۹۷۱.
٩. بیرونی ابوریحان، محمد بن احمد: الصیدنه فی الطب. تصحیح، مقدمه و تحشیه: عباس زریاب. ج. ۱. مرکز نشر دانشگاه تهران، تهران، ص: ۵۹، ۱۳۷۰.
10. Thomson Healthcare. *PDR for Herbal Medicines*. 4th Ed. New York: Thomson Healthcare; 2008.p.321-6.
11. معاونت غذا و دارو، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: دارونامه‌ی رسمی ایران. ویرایش سوم، ج. ۱. مرکز توسعه علمی و تحقیقات بازار شرکت پخش رازی، تهران، صص: ۹۵۱-۲، ۱۳۸۲.
12. امین، غلامرضا؛ خاتم‌ساز، محبوبه؛ خانوی، مهناز؛ ذوالفاری، بهزاد؛ رحیمی، روجا؛ سلطانی، ابوالقاسم و همکاران: بابونه. مجله‌ی طب سنتی اسلام و ایران: ۱۳۸۹، سال اول، شماره‌ی چهارم، صص: ۳۹۱-۶.
13. هروی، محمد بن یوسف: بحر الجواهر. انتشارات جلال الدین، قم، ص: ۲۰۲، ۱۳۸۷.
14. عقیلی خراسانی، محمد حسین: قرابادین کبیر. نسخه‌ی چاپ سنگی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۵۳۹، ۱۲۷۶، ۱۳۸۷ هـ.
15. الأردی، عبدالله بن محمد: كتاب الماء. مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۶۷۴، ۱۲۵۸، ۱۳۸۷.
16. ابن سینا، حسین بن عبدالله: القانون فی الطب، الكتاب الثالث، الفن الأول. نسخه چاپ سنگی تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، ص: ۳۰، ۱۲۹۶.
17. هروی، محمد بن یوسف: بحر الجواهر. انتشارات جلال الدین، قم، صص: ۳۳۱، ۱۴۳، ۱۳۸۷.
18. دهخدا، علی اکبر: لغتنامه دهخدا. لوح فشرده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ویراست سوم به نقل از ذخیره‌ی خوارزم مشاهی.